

تحلیل محتوای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکوو ناگیماروس^۱

وحید بذّار^۲

چکیده

در رسیدگی به اختلاف ناشی از پروژۀ گابچیکوو ناگیماروس میان دو کشور چکسلواکی و مجارستان، دیوان بین‌المللی برای نخستین بار از قرار معاینه‌ی محل استفاده نمود. پرسش مطرح در خصوص رأی ماهوی دیوان، مربوط به دستاوردهای آن در تحول و توسعه حقوق بین‌الملل است. در حوزه‌ی حقوق مسؤولیت، دیوان ضمن تأکید بر لزوم تفکیک میان فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی و اقدامات مقدماتی منجر به آن، ضرورت و اقدامات متقابل را به عنوان عوامل رافع وصف متخلفانه‌ی عمل معرفی نمود؛ هم‌چنین، ضمن پرداختن به مفاهیمی چون جانشمینی در معاهدات، تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده و ممکن نبودن اجرای معاهده در حوزه‌ی حقوق معاهدات، برای نخستین بار به مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله اصول پیش‌گیری و توسعه‌ی پایدار توجه نمود.

واژگان کلیدی: گابچیکوو ناگیماروس، دیوان بین‌المللی دادگستری، حقوق معاهدات، مسؤولیت بین‌المللی، محیط زیست.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۶/۱/۱۵، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۶/۳/۲۲.

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی.

درآمد

ساخت سد و سیستم اکلوز^۱ بر روی رودخانه‌ی دانوب^۲ که مرز مشترک دو کشور مجارستان^۳ و چکسلواکی^۴ را تشکیل می‌دهد، در شانزدهم سپتامبر ۱۹۷۷ میلادی، موضوع موافقت‌نامه‌ی این دو کشور قرار گرفت و مقرر شد تا به منظور مقابله با سیل، تسهیل نوابری و تولید انرژی، افزون بر احداث چند نیروگاه تولید برق از آب^۵، دو سد داناکیلیتی^۶ و سد ناگیماروس^۷ در مجارستان و سد گابچیکوو^۸ در چکسلواکی ساخته شود و هزینه‌ها و منافع این پروژه‌ی سرمایه‌گذاری مشترک، میان طرفین مشترک باشد (Taylor, 1999: 110-111). در سال ۱۹۸۹ میلادی و به دلایل زیست‌محیطی، مجارستان اجرای پروژه را بدون اطلاع به چکسلواکی و در قسمت مربوط به خود تعلیق کرد^۹. پس از توقف کارها، مذاکراتی میان طرفین انجام شد. حین انجام مذاکرات، دولت چکسلواکی آرام‌ننشست و گروهی از متخصصان را مامور بررسی و ارائه‌ی راهکارهای مناسب در پاسخ به اقدام مجارستان نمود. گروه

1. Ecluse

اکلوز، تأسیساتی شبیه آسانسور است که برای انتقال کشتی از یک سطح به سطح بالاتر یا پایین‌تر در یک مسیر آبی به کار گرفته می‌شود؛ برای کشتیرانی در رودخانه‌هایی که بر روی آن‌ها سد بسته شده یا کانال‌هایی مانند پاناما که مجموعه‌ای از چند کانال با سطوح ارتفاع مختلف است، وجود این تأسیسات ضروری است (چیکاوا، ۱۳۸۷: ۲۰۴).

2. Danube

رودخانه‌ی دانوب یا ۲۸۶۰ کیلومتر طول از کشور آلمان شروع شده و تا کشور رومانی ادامه دارد و در مجموع با عبور از نه کشور اروپایی، نقش مهمی در حیات اقتصادی آن‌ها دارد (Williams, 1994: 5).

3. Hungary

4. Czechoslovakia

5. The Hydroelectric Power-Plants

در سال‌های انعقاد موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷، به سبب بحران نفت، فعالیت‌ها بر روی تولید انرژی متمرکز شده بود (Schwabach, 1996, 14/2: 294).

6. Dunakiliti

7. Nagymaros

8. Gabčíkovo

۹. تعلیق اجرای موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ از سوی مجارستان در سال ۱۹۸۹ هنگامی صورت گرفت که نود درصد سد داناکیلیتی و هشتاد و پنج درصد سد گابچیکوو ساخته شده بود (Bostian, 1997: 188)؛ در حالی که تنها یک سوم سد ناگیماروس ساخته شده بود (Taylor, 1999: 111).

مذکور، هفت پیشنهاد را ارائه داد که در نهایت راهکار «وَرینت سی»^۱ پذیرفته شد (Doczi, 2014: 18). با اجرای این پروژه در سال ۱۹۹۲ میلادی، نود درصد آب دانوب از مسیر اصلی منحرف (Szabo: 2009. 15) و از طریق یک کانال برای استفاده‌ی نیروگاه گابچیپکوو هدایت شد (Taylor, 1999: 111)؛ این در حالی است که دانوب یکی از مهم‌ترین منابع آب شیرین مجارستان به خصوص شهر بوداپست^۲ است (Bostian, 1997: 190). در عین حال، مجارستان پیش از اجرایی شدن پروژه‌ی مذکور و در نوزدهم می ۱۹۹۲، اختتام موافقت‌نامه‌ی سال ۱۹۷۷ را اعلام کرده بود.

پس از بروز اختلاف میان طرفین، درخواست میانجی‌گری^۳ کمیسیون اروپا با موافقت آن‌ها مواجه شد و در نتیجه، تصمیم گرفته شد تا با انعقاد یک موافقت‌نامه‌ی خاص در سال ۱۹۹۳ معروف به پروتکل لندن^۴، اختلافات طرفین در خصوص پروژه‌ی نخستین و پروژه‌ی «وَرینت سی» به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع گردد (Taylor, 1999: 111). هم‌چنین چکسلواکی تعهد نمود که اجازه دهد حداقل ۹۵ درصد آب دانوب در مسیر رو به پایین خود جریان داشته باشد (Doczi, 2014: 19). در واقع، در قضیه‌ی گابچیپکوو ناگیماروس^۵ در دیوان بین‌المللی دادگستری، موافقت‌نامه‌ی مجارستان و چکسلواکی و اتفاقات پیرامون آن محل بحث بود و به طور کلی سه موضوع از دیوان مورد پرسش قرار گرفت؛ نخست این که آیا مجارستان حق تعلیق و توقف اقدامات طبق موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ را داشته است؛ دوم این که آیا چکسلواکی حق اتخاذ راه‌حل موقتی جایگزین

1. Variant C

2. Budapest

3. Mediation

4. London Protocol

۵. علت نام‌گذاری پرونده به گابچیپکوو ناگیماروس این بود که مجموعه‌ای از سدها مربوط به گابچیپکوو در چکسلواکی و مجموعه‌ای دیگر مربوط به ناگیماروس در مجارستان بود (عزیزی و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

6. Special Agreement between the Republic of Hungary and the Slovakia Republic for Submission to the International Court of Justice of the Differences between them Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project, 2 July 1993, art. 2(1)(a)(b)(c).

(پروژه‌ی وِرنیت سی) در سال ۱۹۹۱ و اجرای آن از سال ۱۹۹۲ را داشته است؛ و پرسش سوم آن که، آثار حقوقی اعلامیه‌ی نوزدهم می ۱۹۹۲ مجارستان در خصوص اختتام موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ چیست.

دیوان به منظور پاسخ به این پرسش‌ها و با توجه به ادعاهای طرفین با شاخه‌های متعدد حقوق بین‌الملل از جمله حقوق مسئولیت بین‌المللی، حقوق معاهدات و حقوق محیط زیست مواجه بود.^۱ نوشتار حاضر در سه بخش متمایز هر یک از این مقوله‌ها را بررسی می‌نماید.

۱. حقوق مسئولیت بین‌المللی

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی گابچیکوو ناگیماروس یافته‌های مهمی را در حوزه‌ی حقوق مسئولیت بین‌المللی داشت. در خصوص مفهوم فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی^۲، دیوان تصریح نمود که باید آن را از اقدامات مقدماتی که به تنهایی فعل متخلفانه محسوب نمی‌شود، اما در نهایت منجر به بروز آن فعل اصلی می‌گردد، متمایز نمود.^۳ بر این اساس، دیوان اعلام کرد چکسلواکی در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ میلادی صرفاً مشغول اقدامات مقدماتی برای تدارک اجرای پروژه‌ی «وِرنیت سی» در سرزمین خود بود و تا زمانی که رود دانوب واقعاً منحرف نشده بود، موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ نقض نگردید.^۴ هم‌چنین دیوان اصل مهمی

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به پرونده‌ی گابچیکوو ناگیماروس اشاره‌ای به اختلاف قومی طولانی‌مدت میان مجارستانی‌ها و اسلواکی‌ها و تأثیر این اختلاف بر پروژه‌ی گابچیکوو ناگیماروس نکرد. برای مطالعه در خصوص پیشینه‌ی این اختلافات:

See: Bostian, 1998: 412-413

2. Internationally Wrongful Act

3. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), I.C.J. Reports 1997, para. 108.

4. Op. cit, supra note 24, para. 79.

رییس شوئبل در اعلامیه‌ی جداگانه خود نمی‌پذیرد که ایجاد «وِرنیت سی» از آغاز به کار آن قابل تفکیک باشد (Op. cit, supra note 24, Declaration of President Schwebel: 85). قاضی بجاوی نیز مطابق با نظر ایشان اعلام می‌کند که پروژه‌ی «وِرنیت سی» از ابتدا تا اجرا و حتی پس از آن متخلفانه بوده است (Op. cit, supra note 24, Separate Opinion of Judge Bedjaoui, para. 2). قاضی

از حقوق مسؤولیت بین‌المللی را مورد تصریح قرار داد که بعدها به ماده‌ی ۱۲ طرح مسؤولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) تبدیل شد. بر این اساس، هنگامی که یک دولت مرتکب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی می‌شود، فارغ از منشأ یا ماهیت آن تعهد، مسؤولیت بین‌المللی آن دولت ایجاد می‌گردد.^۱

۱-۱. عوامل رافع مسؤولیت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی

عوامل رافع مسؤولیت دولت‌ها ناشی از رفتار متخلفانه‌ی بین‌المللی در دو عنوان ضرورت و اقدام متقابل به شرح آتی بررسی می‌شود.

۱-۱-۱. ضرورت^۲

در این قضیه، خواهان (مجارستان) در خصوص توقف اقداماتی که طبق موافقت‌نامه عهده‌دار شده بود، به ضرورت‌های زیست‌محیطی استناد می‌نمود و مدعی بود که ادامه‌ی اجرای پروژه، خطرات قابل ملاحظه‌ای بر محیط زیست وارد خواهد آورد. در بررسی این ادعا، دیوان به نحو مطلوبی مفهوم ضرورت را تشریح و تفسیر نموده و نخست بیان می‌دارد که حالت ضرورت پیش از هر چیز یک مفهوم به رسمیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل عرفی است که متخلفانه بودن^۳ نقض یک تعهد بین‌المللی را مرتفع می‌کند؛ نه این که یک معاهده را خاتمه دهد و معاهده صرفاً تا زمان بقای شرایط ضروری معلق می‌گردد و به محض از بین رفتن آن، تعهد به اجرای معاهده مجدداً وجود خواهد داشت.^۴ در عین حال، دفاع ضرورت تنها می‌تواند در شرایطی استثنایی پذیرفته شود.^۵ هم‌چنین، برای دفاع مبتنی بر

رانجوا نیز در نظریه‌ی مخالف خود، این تفکیک را نمی‌پذیرد (Op. cit, supra note 24, Dissenting). (Opinion of Judge Ranjeva: 170)

1. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), I.C.J. Reports 1997, para. 47; Interpretation of Peace Treaties with Bulgaria, Hungary and Romania, Second Phase, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1950: 228.

2. Necessity

3. Wrongfulness

4. Ibid, para. 101

5. Ibid, para. 51

ضرورت، خطر باید جدی و مستقیم^۱ باشد و صرف ترس از احتمال خطر کافی نیست.^۲ افزون بر این، منفعت مورد نظر باید در معرض خطر قریب‌الوقوع^۳ باشد و قریب‌الوقوع بودن متمایز از امکان است و وجود تهدید باید حتمی و عملی باشد.^۴ با این حال، قریب‌الوقوع بودن مانع از این نیست که خطری را که در بلندمدت ایجاد می‌شود، نتوان لحاظ کرد^۵ و دولت استنادکننده به ضرورت نمی‌تواند تنها قاضی تشخیص‌دهنده‌ی وضعیت ضرورت باشد.^۶

با این که دیوان پذیرفت صدمه به محیط زیست می‌تواند مصداق صدمه‌ی جدی به منافع اساسی باشد (ضیایی، ۱۳۹۳: ۱۹۸)، دیوان این امر را در قضیه‌ی مطروح نپذیرفت.^۷ دیوان شرایطی هم‌چون شرایط مجارستان در سال ۱۹۸۹ را مصداق وضعیتی تلقی نکرد که در آن آسیب‌های زیست‌محیطی قطعی باشد و پاسخ این دولت را تنها راه ممکن برای حفظ آن منفعت^۸ ندانست.^۹ در واقع دیوان می‌پذیرد که منافع اساسی دولت را نباید به موضوع موجودیت دولت فرو کاست؛ بلکه دفاع از محیط زیست و رفع نگرانی‌های جدی در این ارتباط نیز می‌تواند منفعت اساسی هر دولت محسوب شود (عزیزی و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۲۲). هم‌چنین دیوان تصریح کرد که مجارستان با فعل^{۱۰} و ترک فعل^{۱۱} خود به ایجاد این وضعیت کمک کرده است، لذا نمی‌تواند برای توجیه نقض‌های معاهداتی خود به ضرورت متوسل شود.^{۱۲} در عین حال، مجارستان می‌پذیرد که استناد به وضعیت ضرورت،

1. Direct

2. Ibid, para. 54

3. Grave and Imminent Peril

4. Ibid, para. 54

5. Ibid, para. 54

6. Ibid, para. 51

7. Ibid, para. 85

8. Only Means of Safeguarding that Interest

9. Ibid, para. 52

10. Act

11. Omission

12. Ibid, para. 57

این دولت را از تعهد نسبت به جبران خسارت^۱ نسبت به هم‌پیمانانش معاف نمی‌کند.^۲ تاکید و تصریح دیوان به این اظهار نظر مجارستان، بعدها در ماده‌ی ۲۷(۲) طرح مسؤلیت دولت‌ها (۲۰۰۱) انعکاس یافت.

۱-۱-۲. اقدام متقابل^۳

اسلواکی ضمن ادعای قانونی بودن پروژه‌ی ورینت سی، به صورت جایگزین استدلال می‌کرد که در غیر این صورت نیز اجرای این پروژه می‌تواند به عنوان یک اقدام متقابل توجیه گردد.^۴ مجارستان در پاسخ اعلام می‌کرد که در اجرای پروژه‌ی ورینت سی، شرایط توسل به اقدام متقابل از جمله شرط تناسب^۵ رعایت نشده است.^۶ به زعم دیوان، این یک ملاحظه‌ی مهم است که آثار ناشی از اقدام متقابل باید با صدمه‌ی وارده متناسب باشد^۷ و اقدام متقابل باید در وهله‌ی نخست، در پاسخ به یک عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی ارتکاب یافته از سوی دولت دیگر و به طور مستقیم علیه آن دولت باشد.^۸ دیوان با کاربرد عبارت «به طور مستقیم علیه»^۹ قصد تاکید بر این نکته را داشت که اقدام متقابل تنها رافع وصف متخلفانه در رابطه‌ی میان دولت مرتکب و دولت زیان‌دیده است و زیان وارده به ثالث مشمول معافیت نمی‌گردد.^{۱۰} دیوان اعلام می‌کند که پروژه‌ی ورینت سی در پاسخ به عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی مجارستان بوده و چکسلواکی به عنوان دولت

1. Duty to Compensate

2. Ibid, para. 48

3. Countermeasure

4. Ibid, para. 69

5. Proportionality

6. Ibid, para. 71

7. must be commensurate

8. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), I.C.J. Reports 1997, para. 83.

9. Directed Against

10. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Commentaries of Article 22, para. 5.

زیان دیده^۱، اجرای تعهدات قراردادی خود را به طرق مختلف از مجارستان درخواست نموده بود^۲؛ لذا چکسلواکی با کنترل یک‌جانبه‌ی منابع مشترک^۳ و محروم نمودن مجارستان از حقیقت نسبت به سهم معقول و منصفانه از منابع طبیعی رود دانوب و ایجاد آثار زیان‌بار مستمر بر مناطق حاشیه‌ی رودخانه به واسطه‌ی منحرف نمودن جریان آب، اصل تناسب^۴ را که رعایت آن در حقوق بین‌الملل الزامی است، نقض نموده است^۵. بنابراین به سبب عدم تحقق شرط نخست اقدام متقابل، بررسی شرایط دیگر آن از جمله اقدام متقابل با هدف وادار کردن طرف متخلف به رعایت تعهدات حقوق بین‌المللی و یا لزوم برگشت‌پذیر بودن^۶ این اقدامات، ضرورتی ندارد^۷.

۱-۲. تعهد به کاهش خسارت^۸

در این قضیه اسلواکی مدعی بود که پروژه‌ی ورینت سی را در راستای تعهد به کاهش خسارت اجرا کرده است و این یک اصل حقوقی است که زیان دیده از عدم اجرای قرارداد، باید تلاش کند تا خسارت وارده به خود را کاهش دهد^۹. مفهوم تعهد به کاهش خسارت، تعهدی حقوقی نیست که نقض آن سبب مسؤولیت بین‌المللی شود؛ بلکه عدم رعایت آن صرفاً منجر به این می‌شود که اصل لزوم جبران کامل خسارت نسبت به دولت مسؤول اعمال نگردد^{۱۰}. در مقابل مجارستان استدلال می‌کرد که یک فعل اساساً متخلفانه را نمی‌توان به عنوان اقدامی در راستای تعهد به کاهش خسارت پذیرفت و با وجود قابل پذیرش نبودن آن به عنوان یک عامل

1. Injured State
2. Ibid, para. 85
3. Shared Resource
4. Proportionality
5. Ibid, para. 85
6. Reversible
7. Ibid, para. 87
8. Duty to Mitigate
9. Ibid, para. 80
10. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Art. 31, Commentary 11.

رافع مسؤولیت، می‌تواند در تعیین خسارت مورد نظر قرار بگیرد.^۱ دیوان پس از شناسایی مفهوم تعهد به کاهش خسارت به عنوان یک اصل، خاطرنشان کرد که تقصیر زیان‌دیده نمی‌تواند موجب توجیه عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی شود و صرفاً می‌تواند مبنایی برای محاسبه و تعیین میزان خسارت باشد؛ از این رو هنگامی که یک دولت زیان‌دیده در اتخاذ تدابیر ضروری برای کاهش خسارت کوتاهی نماید، در مورد آن خسارت قابل اجتناب، حق ادعای خسارت نخواهد داشت؛ در نهایت دیوان تصریح می‌کند که اجرای پروژه‌ی وِرینت سی یک فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی است؛ لذا ادعای اسلواکی در خصوص تعهد به کاهش خسارت نیاز به بررسی ندارد.^۲ اظهار نظر دیوان در این خصوص، چهار سال پس از صدور رأی به ماده‌ی ۳۹ طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها تبدیل شد. بدین ترتیب که در سند مزبور، تقصیر زیان‌دیده به عنوان یکی از عوامل رافع وصف متخلفانه‌ی عمل پذیرفته نشد و تنها به عنوان مبنایی در کاهش میزان جبران خسارت مد نظر قرار گرفت.

۲. حقوق معاهدات

در این قضیه، مجارستان قصد داشت با طرح ادعاهای ممکن نبودن اجرای^۳ موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷، تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد^۴ آن و نقض معاهده از سوی طرف مقابل، موافقت‌نامه‌ی مذکور را مردود اعلام کند؛ اسلواکی نیز دلایل خود را بر لازم‌الاجرا بودن تعهدات قراردادی و اجرای تقریبی^۵ معاهده، متمرکز نموده بود

1. Ibid, para. 71

2. Ibid, para. 80

3. Impossibility of Performance

4. Rebus sic stantibus

5. Approximate Application.

اسلواکی برای توجیه پروژه‌ی وِرینت سی، با استناد به اصل اجرای تقریبی مدعی بود که تعلیق کارها از سوی مجارستان، این دولت را در انجام کارها ناتوان کرده و در نتیجه، این دولت محق است تا راه حل‌های جایگزینی را برگزیند که مشابه پروژه‌ی نخستین باشد (Op. cit, supra note 24, para. 67). در مقابل، مجارستان مدعی بود اصل اجرای تقریبی یک معاهده در حقوق بین‌الملل فاقد جایگاه است (Op. cit, supra note 24, para. 71). دیوان ضرورتی ندید تا وجود اصل اجرای تقریبی معاهده را در حقوق بین‌الملل و به طور خاص به عنوان اصل کلی حقوقی (General Principle of Law) بررسی کند و اعلام

(وکل، ۱۳۷۸: ۱۸۶).

۲-۱. غیر ممکن بودن اجرای موافقت‌نامه

مجارستان وفق ماده‌ی ۶۱ کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) به غیرممکن بودن اجرای معاهده به عنوان مبنایی برای تعلیق^۱ یا اختتام^۲ آن استناد می‌کرد و مدعی بود که اجرای پروژه‌ی نخستین که خسارات زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری^۳ به بار می‌آورد، نمی‌تواند برای این دولت تعهدی برای انجام یک وظیفه‌ی عملاً غیر ممکن ایجاد نماید^۴. مجارستان مدعی بود که در ابتدا یک موافقت‌نامه‌ی سرمایه‌گذاری مشترک کاملاً منطبق با مسائل زیست‌محیطی منعقد شده بود که در سال ۱۹۹۲ میلادی، هدف اساسی خود را برای همیشه از دست داد؛ به زعم این دولت هدف اصلی یک معاهده، صرفاً موضوعی مادی نیست؛ بلکه می‌تواند یک وضعیت حقوقی که مبنای وجودی^۵ حقوق و تعهدات است را نیز در بر گیرد^۶. در مقابل، اسلواکی مدعی بود که کنوانسیون حقوق معاهدات، ناپدید و تباهی^۷ مادی موضوع را مد نظر قرار داده است و استناد به مقدر نبودن اجرای معاهده از سوی دولتی که با نقض تعهدات معاهداتی خود چنین شرایطی را ایجاد نموده است، ممکن نیست^۸.

ماده‌ی ۶۱ کنوانسیون، مفهوم غیر قابل اجرا بودن را به مواردی محدود می‌کند که در آن، ضرورت مبنایی اجرای معاهده برای همیشه از بین می‌رود. شرح

نمود که در صورت وجود نیز این اصل تنها می‌تواند در محدوده‌ی معاهده‌ی ۱۹۷۷ مورد توجه قرار گیرد و پروژه‌ی ورینت سی شرایط اساسی این معاهده را رعایت نکرده و به رغم شباهت فیزیکی مشخص با پروژه‌ی نخستین، ویژگی‌های حقوقی خود متمایز از آن است (Op. cit, supra note 24, paras. 76-77).

1. Suspension
2. Termination
3. Irreparable
4. Ibid, para. 94
5. d'être
6. Ibid, para. 94
7. Disappearance or Destruction
8. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969, Art. 61 (1),(2)

کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز مواردی چون زیر آب رفتن جزیره، خشک شدن رودخانه و تخریب سد را به عنوان مثال آن ذکر می‌نماید^۱ که بدون تردید، توقف ارادی فعالیت‌ها از سوی مجارستان را شامل نخواهد شد. دیوان به تفسیر و بررسی گسترده‌ی ماده‌ی ۶۱ در رابطه با پیامدهای زیست‌محیطی و منافع اقتصادی پروژه نپرداخت و خود را به این استدلال محدود نمود که موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷، شیوه‌ی مذاکره^۲ و مشورت^۳ را مقرر نموده است و با رد ادعای مجارستان اعلام می‌کند که تنها در صورت عدم حصول نتیجه از طریق مذاکره و عدم امکان بهره‌برداری مشترک از پروژه، چنین امکانی می‌تواند متصور باشد (Reichert-Facilides, 1998: 844).

۲-۲. تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد موافقت‌نامه

مجارستان برای توجیه اقدام خود در خصوص تعلیق و خاتمه‌ی موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ به تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد موافقت‌نامه (ماده‌ی ۶۲ کنوانسیون حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹) از جمله کاهش منافع اقتصادی پروژه، تغییر ماهیت سیاسی دولت‌های طرف موافقت‌نامه، افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی و پیدایش هنجارهای جدید حقوق بین‌الملل محیط زیست استناد می‌کرد^۴. دیوان ضمن تکرار اظهار نظر خود در قضیه‌ی صلاحیت ماهی‌گیری مبنی بر عرفی بودن ماده‌ی ۶۲^۵، بیان نمود که موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک در خصوص تولید انرژی، کنترل سیل و بهبود ناوبری در دانوب می‌باشد و شرایط سیاسی ارتباط نزدیکی با موضوع و هدف آن معاهده^۶ ندارد و پیدایش هنجارهای جدید حقوق محیط زیست نیز امری غیر

1. (1966) 11 Y.B.I.L.C. 256
2. Negotiation
3. Consultation
4. Ibid, para. 104
5. Fisheries Jurisdiction (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Iceland), I.C.J. Reports 1973, para. 36
6. The Object and Purpose of the Treaty

قابل پیش‌بینی^۱ نبود؛ افزون بر این، دیوان تصریح می‌کند که استفاده از عبارات منفی و مشروط در ماده‌ی ۶۲ نشانه‌ی آشکاری بر این واقعیت است که ادعای تغییر بنیادین اوضاع و احوال تنها در شرایط استثنایی پذیرفته شود^۲. به طور کلی، دیوان در پاسخ به ادعاهای مجارستان در خصوص بی اعتباری موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷، با اشاره به ماده‌ی ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات بر لزوم اجرای اصل وفای به عهد^۳ تاکید می‌نماید.

۲-۳. نقض معاهده‌ی مبنایی برای اختتام آن

در این قضیه، مجارستان ادعا می‌کرد که پروژه‌ی ورنیت سی، نقض ماهوی موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ (مواد ۱۵، ۱۹ و ۲۰ در خصوص لزوم مذاکره و مشورت طرفین) و سایر تعهدات بین‌المللی دولت چکسلواکی از جمله کنوانسیون بوداپست در خصوص مدیریت آب‌های مرزی (۱۹۷۶)^۴ و قواعد حقوق بین‌الملل عام است^۵ و در این راستا به ماده‌ی ۶۰ (۱) کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) به عنوان مبنایی برای اختتام موافقت‌نامه استناد می‌کرد^۶. دیوان در این خصوص بیان می‌کند نقض سایر معاهدات و قواعد حقوق بین‌الملل عام مبنایی برای خاتمه‌ی موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ نیست و صرفاً می‌تواند اقداماتی هم‌چون اقدام متقابل را توجیه کند^۷. هم‌چنین دیوان اعلام کرد که در خصوص نقض معاهده‌ی ۱۹۷۷ از سوی چکسلواکی به دلایل کافی دست نیافته است^۸. دیوان استدلال نمود تا زمانی که در اکتبر ۱۹۹۲ میلادی مسیر رود دانوب به واسطه‌ی اجرای پروژه‌ی ورنیت سی تغییر نیافته بود، هیچ فعل متخلفانه‌ای از سوی چکسلواکی سر نزده و بر اساس این

1. Unforeseen
2. Ibid, para. 104
3. puctu sunt servunda
4. The Convention of the Regulation of Water Management Issues of Boundary Waters, 31 May 1976
5. Ibid, para. 71
6. Ibid, para. 96
7. Ibid, para. 106
8. Ibid, para. 107

استدلال، صدور اعلامیه‌ی ۱۹ می ۱۹۹۲ مجارستان مبنی بر اختتام موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ را یک اقدام زود هنگام^۱ و فاقد اثر حقوقی تلقی نمود^۲. دیوان تصریح کرد که در زمان صدور اعلامیه‌ی مجارستان هیچ نقض تعهدی از سوی چکسلواکی رخ نداده بود و لذا، مجارستان حق نداشت بر اساس ماده‌ی ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) به نقض موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ به عنوان مبنایی برای خاتمه دادن به آن استناد کند^۳.

دیوان با این که می‌پذیرد طرفین معاهده‌ی ۱۹۷۷ آن را نقض نموده‌اند، چنین نقضی را موجب اختتام معاهده نمی‌داند و با اشاره به اصل وفای به عهد بیان می‌کند که طرفین اقدامات قابل ملاحظه انجام دادند و هزینه‌های سنگینی را در راستای این توافق متحمل شده‌اند که تنها می‌توانند با اعلام رضایت دوجانبه به آن موافقت‌نامه پایان دهند^۴. در واقع، دیوان مطابق با کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹^۵ نمی‌پذیرد که طرفین یک معاهده می‌توانند به طور ضمنی و از طریق رویه‌ی مستمر خود، آن معاهده‌ی الزام‌آور حقوقی را پایان دهند یا اصلاح نمایند

1. Premature

2. Ibid, paras. 108,115.

قاضی ادا در نظریه‌ی مخالف خود، اقدام چکسلواکی در ساخت و اجرای پروژه‌ی ورینت سی را نقض موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ تلقی نمی‌نماید (Ibid, Dissenting Opinion of Judge Oda, para. 22). قاضی ورشتاین نیز این پروژه را یک اقدام متقابل مطابق با حقوق بین‌الملل محسوب می‌نماید (Ibid, Dissenting Opinion of Judge Vereshchetin: 219). قاضی پارا آرانگون و قاضی اختصاصی اسکوبیزوسکی نیز بر این نظر هستند (Ibid, Dissenting Opinion of Judge Parra-Aranguren: 228-230; Ibid, Dissenting Opinion of Judge ad hoc Skubiszewski, p. 232).

3. Ibid, para. 108

4. Ibid, para. 114

قاضی هرزگ در اعلامیه‌ی جداگانه‌ی خود نمی‌پذیرد که موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ همچنان لازم‌الاجرا باشد. به عقیده‌ی وی مجارستان با توقیف فعالیت‌های ساخت و ساز و اسلواکی با اجرای پروژه‌ی ورینت سی، موافقت‌نامه‌ی مذکور را نقض کرده‌اند و صدور اعلامیه‌ی اختتام موافقت‌نامه از سوی مجارستان در سال ۱۹۹۲ میلادی، تنها یک اقدام رسمی خاتمه‌ی معاهده محسوب می‌شود (Ibid, Declaration by Judge Rezek, paras. 1-2). قاضی بجاوی نیز به موجب نظر جداگانه‌ای اعلام می‌کند که طرفین با نقض‌های متقاطع (Intersecting Violations) موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ به یک اندازه آن را نقض کرده‌اند (Ibid, Separate Opinion of Judge Bedjaoui, para. 2).

5. Vienna Convention on the Law of treaties 1969, Art. 59

(Reichert-Facilides, 1998: 851). در قضیه‌ی مزبور، به رغم اعلام اختتام از سوی مجارستان، چکسلواکی همواره به این سند پای‌بند بوده و این اعلام را فاقد اثر حقوقی می‌دانست.^۱ دیوان افزون بر معتبر شمردن موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷، آن را به عنوان یک قانون خاص^۲ تلقی نمود که بر سایر کنوانسیون‌های لازم‌الاجرای میان طرفین اولویت دارد.^۳

با این حال، قاضی هرزگ در نظریه‌ی مخالف خود، با این استدلال که اقدام چکسلواکی در مبادرت به اجرای پروژه‌ی ورینت سی، نقض موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ تلقی می‌گردد، اعلامیه‌ی مجارستان در سال ۱۹۹۲ میلادی را واجد اثر حقوقی دانست.^۴ قاضی فلش هاور نیز در نظریه‌ای مخالف، اعلامیه‌ی مزبور را معتبر اعلام کرد.^۵

۲-۴. جانشینی دولت‌ها^۶ در معاهدات

دولت چکسلواکی در اول ژانویه‌ی ۱۹۹۳ میلادی و شش ماه پیش از انعقاد موافقت‌نامه‌ی ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری، به دو کشور چک^۷ و اسلواکی^۸ تجزیه شد. اسلواکی استدلال می‌کرد که ماده‌ی ۳۴ کنوانسیون وین در خصوص جانشینی دولت‌ها در معاهدات (۱۹۷۸)^۹ در خصوص اصل جانشینی خودکار^{۱۰} در موارد تجزیه^{۱۱} که دولت سابق^{۱۲} از بین می‌رود، یک قاعده‌ی

1. Ibid, para. 114

2. lex specialis

3. Ibid, para. 132

4. Ibid, Dissenting Opinion of Judge Herczegh, p. 197

5. Ibid, Dissenting Opinion of Judge Fleischhauer, p. 204

6. State Succession

7. Czech Republic

8. Slovakia Republic

۹. این معاهده به خلاف معاهده‌ی جانشینی دولت‌ها در اموال، آرشیو و دیون (۱۹۸۳) در سال ۱۹۹۶ میلادی لازم‌الاجرا شده است.

10. The Principle of Automatic Succession

11. Dissolution

12. Predecessor State

حقوق بین‌الملل عرفی و مطابق رویه‌ی دولتهاست.^۱ هم‌چنین اسلواکی بر اساس ماده‌ی ۱۲ کنوانسیون مذکور، مدعی استمرار معاهدات سرزمینی بود.^۲ در مقابل، مجارستان سعی داشت تا جانشینی نسبت به اموال را متمایز از جانشینی بر معاهدات جلوه دهد (Koe, 1998: 614). دیوان افزون بر تایید سرزمینی بودن موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ میلادی، در اظهار نظری عجیب اعلام کرد که ماده‌ی ۱۲ کنوانسیون جانشینی دولتها در معاهدات (۱۹۷۸)^۳، مصداقی از تدوین^۴ حقوق بین‌الملل عرفی در این کنوانسیون است.^۵ دیوان با اشاره به شرح کمیسیون حقوق بین‌الملل بر پیش‌نویس مواد راجع به جانشینی دولتها در معاهدات^۶، تصریح می‌کند که معاهدات مربوط به حقوق آب یا نوابری در رودخانه عموماً در دسته‌ی معاهدات سرزمینی جای می‌گیرد^۷ و بر این اساس، موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ از تاریخ تجزیه‌ی دولت سابق تنها برای اسلواکی (دولت جانشین)^۸ الزام‌آور تلقی می‌شود.^۹ در عین حال، مجارستان و چکسلواکی در مقدمه‌ی موافقت‌نامه‌ای که در دوم جولای ۱۹۹۳ میلادی در خصوص ارجاع موضوع گابچیکوو ناگیماروس به دیوان منعقد نمودند (پاراگراف دوم)، پذیرفتند که در خصوص حقوق و تعهدات مرتبط با پروژه‌ی مذکور، اسلواکی تنها دولت جانشین تلقی می‌گردد.

1. Ibid, para. 121

2. Ibid, para. 122

۳. بر اساس ماده‌ی ۱۲ کنوانسیون جانشینی دولتها در معاهدات (۱۹۷۸)، جانشینی دولتها تاثیری بر تعهدات معاهداتی دولت سابق نسبت به استفاده از سرزمین که به نفع دولت دیگر پذیرفته شده، نخواهد گذاشت.

4. Codification

5. Ibid, para. 122

6. Official Records of the United Nations Conference on the Succession of States in respect of Treaties, Vol. III, doc. A/CONF.80/16/Add.2, p. 33, para. 26

7. Ibid, para. 123

8. Successor State

9. Ibid, para. 123

۳. مسائل زیست‌محیطی

دیوان با تصریح به این مهم که محیط زیست یک موضوع انتزاعی نیست؛ بلکه نمایان‌گر کیفیت زندگی و سلامت انسان‌ها از جمله نسل‌های آینده می‌باشد^۱، مفاهیم متعددی از این نظام حقوقی از جمله توسعه‌ی پایدار، اصل استفاده‌ی غیر زیان‌بار از سرزمین، اصل پیش‌گیری و تعهد به ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی را مورد شناسایی و تشریح قرار می‌دهد.

۳-۱. توسعه‌ی پایدار^۲

دیوان اعلام می‌کند که در سال‌های اخیر، هنجارهای جدیدی در حوزه‌ی حقوق محیط زیست شکل گرفته است که افزون بر فعالیت‌های جدید دولت‌ها، بر فعالیت‌های در جریان آن‌ها نیز اعمال می‌شود و ضروری است تا میان توسعه‌ی اقتصادی و حفاظت از محیط زیست که به نحو مناسبی در مفهوم توسعه‌ی پایدار وجود دارد، آشتی برقرار کرد^۳. در واقع، دیوان قواعد جدید حقوق بین‌الملل محیط زیست را مشمول اصل عطف بماسبق نشدن^۴ نمی‌داند و اعلام می‌کند که در موافقت‌نامه‌ی سرمایه‌گذاری میان مجارستان و اسلواکی (۱۹۷۷) قابل اعمال است (Vinuales, 2008: 13). در نتیجه، طرفین باید نگاه جدیدی نسبت به پیامدهای زیست‌محیطی نیروگاه گابچیکوو، به ویژه یافتن راه حلی مطمئن نسبت به میزان آبی که باید در بستر رودخانه‌ی دانوب رها شود، داشته باشند (Shelton, 2001: 222).^۵

قاضی ویرامانتری در نظریه‌ی جداگانه‌ی خود و برخلاف رأی ماهوی دیوان، توسعه‌ی پایدار را دارای ارزش هنجاری و بخشی از حقوق بین‌الملل مدرن می‌داند^۵ و به سبب پذیرش عام دولت‌ها مبنی بر الزام‌آور بودن آن را دارای ماهیت حقوقی

1. Ibid, para. 53

2. Sustainable Development

3. Ibid, para. 140

4. Non Retroactivity

5. Ibid, Separate Opinion of Vice-President Weeramantry, p. 95

بین‌الملل عرفی تلقی می‌نماید.^۱ ایشان حق بر توسعه^۲ را حق مسلم بشری و حفاظت از محیط زیست را نیز بخش حیاتی حقوق بشر معاصر می‌داند که لازمه‌ی تحقق سایر حقوق بشری^۳ از جمله حق حیات^۴ و حق بر سلامت^۵ است و خسارت به محیط زیست می‌تواند تمامی حق‌های بشری مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و سایر اسناد بین‌المللی را تحت تاثیر قرار دهد؛ در واقع، به رغم این که همه‌ی انسان‌ها حق بر آغاز پروژه‌های توسعه‌ای و برخورداری از منافع آن را دارند، تعهد به تضمین این مهم را دارند که چنین پروژه‌هایی خسارت قابل توجهی به محیط زیست وارد نمی‌سازد.^۶

۲-۳. اصول پیش‌گیری^۷، استفاده‌ی غیر زیان‌بار از سرزمین^۸ و تعهد

به ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی^۹

به زعم دیوان، رعایت اصل پیش‌گیری در خصوص خسارات زیست‌محیطی که غالباً دارای ویژگی غیر قابل بازگشت^{۱۰} است و نظام جبران^{۱۱} خسارات را با

1. Ibid, Separate Opinion of Vice-President Weeramantry: 104

با این که نظر قاضی ویرامانتری بخشی از رای ماهوی الزام‌آور دیوان نیست و بر خلاف نظر اکثریت قضات دیوان می‌باشد، این رویکرد در دادگاه‌های داخلی برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، سریلانکا و آفریقای جنوبی مورد استناد و تبعیت قرار گرفته است. برای مطالعه‌ی بیشتر بنگرید به: عزیز و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۱۸-۱۱۶.

2. The right to development

3. Sine qua non

4. The Right to Life

5. The Right to Health

6. Ibid, Separate Opinion of Vice-President Weeramantry, pp. 91-92

7. The Principle of Prevention

8. The Principle of Non-Harmful Use of Land

این اصل نخستین بار در قضیه‌ی کانال کورفو (۱۹۴۹) با این عبارات مورد تصریح قرار گرفت: کلیه‌ی دولت‌ها متعهدند تا آگاهانه اجازه ندهند که سرزمین آن‌ها در مغایرت با حقوق سایر دولت‌ها مورد استفاده قرار گیرد (Curfu Channel (United Kingdom v. Albania), I.C.J. Reports 1949: 22)

9. Duty of Environmental Impact Assessment (EIA)

10. Irreversible

11. Reparation

محدودیت‌هایی مواجه می‌کند، ضروری است.^۱ اصل پیش‌گیری که برای نخستین بار در رویه‌ی قضایی دیوان در این قضیه مورد اشاره قرار گرفت، در قضیه‌ی کارخانه‌ی خمیر کاغذ (۲۰۱۰) به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی که مبانی آن در ضرورت تلاش مقتضی^۲ یک دولت در سرزمینش است، اعلام شده است.^۳ هم‌چنین دیوان در این قضیه به مانند نظریه‌ی مشورتی خود در قضیه‌ی مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای^۴، بر تعهد عام دولت‌ها نسبت به تضمین این مهم تأکید می‌کند که فعالیت‌های تحت نظارت یا صلاحیتشان باید محیط زیست سایر دولت‌ها یا مناطق فراتر از صلاحیت ملی که امروزه بخشی از نظام حقوق بین‌الملل هستند را رعایت نماید.^۵ در نهایت دیوان بیان می‌کند که آگاهی از آسیب‌پذیری محیط زیست و پذیرش این که آسیب‌های زیست‌محیطی باید به طور مداوم ارزیابی شوند، در سال‌های پس از موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ بسیار پررنگ‌تر شده است.^۶ قاضی ویرامانتری در نظریه‌ی جداگانه‌ی خود، اصل ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی را اصلی می‌داند که به لحاظ بین‌المللی مورد پذیرش و شناسایی قرار گرفته و باید در طول اجرای عمل رعایت شود.^۷

1. Ibid, para. 140

2. Due Diligence

3. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), I.C.J. Reports 2010, para. 101

4. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I. C. J. Reports 1996: 241 -242, para. 29.

5. Ibid, para. 53

6. Ibid, para. 112

مواد ۱۵ و ۱۹ موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ نیز متضمن مقرراتی پیرامون ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از اجرای پروژه است.

7. Ibid, Separate Opinion of Vice-President Weeramantry: 111

دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در نظریه‌ی مشورتی سال ۲۰۱۱ تصریح می‌کند بررسی آثار زیست‌محیطی اقدامات، یک تعهد عام حقوق بین‌الملل عرفی است (Responsibilities and Obligations of States with respect to Activities in the Area, Advisory Opinion, 1 February 2011, ITLOS (Reports 2011, para. 145).

۴. صدور قرار معاینه‌ی محل^۱

مطابق قواعد رسیدگی، دیوان می‌تواند هر زمان بنا به نظر خود^۲ یا به درخواست هر یک از طرفین، وظایف خود نسبت به تحصیل دلیل در هر مکان مرتبط با قضیه را انجام دهد^۳ اما تا پیش از قضیه‌ی گابچیکوو ناگیماروس، به رغم مطرح شدن استفاده از آن در سه قضیه‌ی مطروحه نزد دیوان^۴، مرجع مذکور از این اختیار خود استفاده ننموده بود (Bostian, 1997: 193). در این قضیه، دیوان به درخواست طرفین در پنجم فوریه ۱۹۹۷ میلادی، قراری را در خصوص معاینه‌ی محل صادر نمود و با این که مجارستان و اسلواکی در موافقت‌نامه‌ی خود اعلام کرده بودند که معاینه‌ی محل بخش لاینفک رسیدگی شفاهی محسوب می‌شود، دیوان خلاف رویه‌ی دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی انحراف رودخانه موس، از انتشار صورت‌جلسات بازدید خودداری نمود و در عین حال، هزینه‌های این بازدید میان طرفین و دیوان تقسیم گردید (سادات میدانی، ۱۳۸۸: ۲۲۳-۲۲۵).

۵. اجرای رای ماهوی دیوان در قضیه گابچیکوو ناگیماروس

در موافقت‌نامه‌ی ارجاع اختلاف به دیوان تصریح شده بود که رای صادره از سوی دیوان قطعی و الزام‌آور تلقی خواهد شد و اگر طرفین نتوانستند تا شش ماه پس از صدور رای، در خصوص چگونگی اجرای آن به توافقی دست یابند، هر یک از آن‌ها می‌تواند صدور حکم در خصوص تعیین شیوه‌های اجرا را از دیوان درخواست نماید^۵. این مسأله بسیار حائز اهمیت است که افزون بر ساز

1. Site visit or visit in situ

2. proprio motu

3. Rules of International Court of Justice (1978), art. 66

4. South West Africa (Ethiopia v. South Africa; Liberia v. South Africa), Second Phase, I.C.J. Reports 1966: 7, at 9; Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua intervening), I.C.J. Reports 1992: 14, at 361, para. 22; Delimitation of the Maritime Boundary in the Gulf of Maine Area (Canada/United States of America), I.C.J. Reports 1984.

5. Special Agreement between the Republic of Hungary and the Slovakia Republic

و کار پیش‌بینی شده در منشور برای اجرای رأی دیوان^۱، موافقت‌نامه‌ی ارجاع اختلاف به دیوان نیز توانایی سازماندهی مسائل مربوط به آیین دادرسی دیوان از جمله پی‌گیری قضایی اجرای رأی ماهوی را دارد (فابری و سورل، ۱۳۷۸: ۱۳۶).

برخی از حقوق‌دانان با این استدلال که افزون بر گزینه‌ی امکان طرح مجدد موضوع در دیوان، در رأی دیوان صرفاً پارامترهایی برای مذاکره در خصوص موافقت‌نامه‌ی جدید تعیین شده است، پیش‌بینی می‌کردند که پرونده به دیوان باز خواهد گشت (Boyle, 1997: 14). این پیش‌بینی به واقعیت پیوست و دولت اسلواکی یک سال پس از صدور رأی، با مراجعه به دیوان تقاضا نمود تا مسؤولیت مجارستان را به واسطه‌ی کوتاهی در مذاکرات مربوط به اجرای حکم دیوان اعلام و تاریخی را تعیین نماید تا طرفین ملزم باشند تا آن تاریخ، به توافق دست یابند. دیوان به رغم ثبت پاسخ مجارستان به ادعاهای اسلواکی و پس از چند ماه، رسیدگی به این درخواست را تعلیق کرد (Szabo, 2009: 24)؛ این قضیه هم‌چنان در فهرست قضایای تحت رسیدگی^۲ دیوان قرار دارد. البته از زمان صدور رأی ماهوی دیوان در سال ۱۹۹۷ میلادی، تلاش‌ها و مذاکرات متعددی در خصوص اجرای رأی صورت گرفته است (Doczi, 2014: 27)؛ به گونه‌ای که افزون بر تشکیل سه گروه کاری در زمینه‌ی مدیریت آب^۳، مسایل حقوقی^۴ و مسایل اقتصادی^۵، در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ میلادی (Szabo, 2009: 16-17) پیش‌نویس موافقت‌نامه‌هایی تهیه گردید که هیچ یک چاره‌ساز نبود و طرفین نتوانستند از رأی دیوان برای حل اختلاف خود استفاده کنند (ایزدی، ۱۳۹۵: ۱۹۵). حتی در پاییز ۲۰۱۱ میلادی، رییس دیوان طرفین را به لاهه فرا خواند تا قصد

for Submission to the International Court of Justice of Differences between them concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project, 2 July 1993, art. 5.

1. Charter of the United Nations, art 94. (2)
2. Pending Cases
3. Water Management Working Group
4. Working Group on Legal Matters
5. Working Group on Economic Matters

آنان نسبت به طولانی‌ترین پرونده‌ی مطروح در تاریخ فعالیت دیوان بین‌المللی دادگستری را جویا شود (7: Beham, 2012)؛ اما باز هم نتیجه‌ای حاصل نشد. مختومه نشدن پرونده‌ی گابچیکوو ناگیماروس موجب شده است تا این قضیه به طولانی‌ترین پرونده نزد دیوان بین‌المللی دادگستری موسوم شود^۱.



۱. پس از قضیه‌ی گابچیکوو ناگیماروس، قضیه‌ی اجرای کنوانسیون منع و مجازات ژنوسید (۲۰۱۵) (کرواسی علیه صربستان) با شانزده سال و قضیه‌ی سکوه‌های نفتی (۲۰۰۳) (ایران علیه ایالات متحده آمریکا) با دوازده سال، طولانی‌ترین پرونده‌های مطروح نزد دیوان محسوب می‌شوند.

برآمد

۱- دیوان بین‌المللی دادگستری به موجب تصمیم نهایی خود در پرونده‌ی گابچیکوو ناگیماروس اعلام می‌نماید که طرفین باید با حسن نیت^۱ و در پرتو شرایط حاکم به مذاکره بپردازند و باید تدابیر ضروری را برای تضمین اهداف موافقت‌نامه‌ی ۱۹۷۷ اتخاذ نمایند^۲. دیوان در ادامه تصریح می‌کند که مجارستان از بابت تعلیق و متوقف کردن اقداماتی که مسؤول آن‌ها بوده و برای خساراتی که به چکسلواکی و اسلواکی وارد آمده است، باید نسبت به اسلواکی جبران خسارت نماید؛ اسلواکی نیز از بابت خسارات وارده ناشی از اجرای راه حل موقت توسط چکسلواکی و تداوم آن توسط اسلواکی، مسؤول جبران است^۳.

۲- در پرونده‌ی گابچیکوو ناگیماروس، دیوان یافته‌های ارزشمندی در حوزه‌های متعدد حقوق بین‌الملل از جمله حقوق محیط زیست، حقوق مسؤولیت و حقوق معاهدات به دست آورد؛ اما در حل اختلاف میان طرفین توقیف چندانی حاصل ننمود. رأی نهایی دیوان، توصیه‌ی طرفین اختلاف به مذاکره و مشورت برای نیل به یک توافق بود؛ در حالی که این مذاکره از سال ۱۹۸۹ میلادی که مجارستان کارها را متوقف نموده بود، میان طرفین اختلاف در جریان بود و به سبب عدم حصول توافق، در سال ۱۹۹۳ میلادی به دیوان مراجعه نمودند. رفع نشدن اختلاف میان طرفین موجب شد تا یک سال پس از صدور رأی، اسلواکی مجدداً به دیوان مراجعه کند. دیوان نیز پس از چند ماه، رسیدگی به این پرونده را تعلیق نمود تا این قضیه هم‌چنان در فهرست پرونده‌های تحت رسیدگی دیوان باقی بماند و طولانی‌ترین پرونده‌ی مطروح در دیوان نام گیرد.

۳- در تحلیل رأی ماهوی سال ۱۹۹۷ دیوان باید گفت که دیوان بین‌المللی دادگستری یک آستانه‌ی بالا و استثنایی را برای دعاوی آینده در نظر گرفته است؛ در این دعاوی به خطرات زیست‌محیطی به عنوان توجیهی برای تعلیق تعهدات معاهداتی استناد می‌شود (Bostian, 1997: 194). استثنایی بودن حالت ضرورت

1. Good Faith

2. Ibid, para. 155(2)(B)

3. Ibid, para. 155(2)(D)

و احراز شرایطی چون جدی، مستقیم و قریب‌الوقوع بودن خطری که منافع اساسی را در معرض خطر قرار می‌دهد، دامنه‌ی شمول مفهوم ضرورت را محدودتر می‌کند. رای دیوان نشان می‌دهد که در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به حاکمیت سرزمینی خود، هر اقدامی را در قلمرو سرزمینی خود انجام دهند و در این راستا باید آثار زیست‌محیطی ناشی از اقدامات خود از جمله اصل پیش‌گیری، استفاده‌ی غیر زیان‌بار از سرزمین، لزوم ارزیابی آثار زیست‌محیطی و توسعه‌ی پایدار را مد نظر قرار دهند.

۴- دیوان با ارائه‌ی تفاسیری محدود از مواردی همچون قابل اجرا نبودن موضوع معاهده، تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده و نقض طرف معاهده به عنوان مبنایی برای پایان معاهده، بر اجرای اصل وفای به عهد و ادامه‌ی تعهدات معاهداتی دولت‌ها اصرار ورزید.

فهرست منابع

- ایزدی، علی، «بررسی تاریخی و تحلیلی اجرای احکام دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، شماره‌ی ۵۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- چیکایا، بلز، چکیده رویه قضایی در حقوق بین‌الملل عمومی، برگردان: همایون حبیبی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷.
- سادات میدانی، سید حسین، دیوان بین‌المللی دادگستری: ادله اثبات دعوی، تهران: جنگل، ۱۳۸۸.
- ضیایی، سید یاسر، «جایگاه تعهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری»، فصل‌نامه‌ی پژوهش حقوق عمومی، شماره‌ی ۴۲، بهار ۱۳۹۳.
- عزیزی، ستار و موسوی، سید مهدی، «پرونده گابچیکوو - ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار»، مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، شماره‌ی ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- فابری، هلن روییز و سورل، ژان مارک، «آیین دادرسی‌های بین‌المللی»، برگردان: ابراهیم بیگ‌زاده، مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، شماره‌ی ۲۴، ۱۳۷۸.
- وکل، فیلیپ، «همسویی حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی در پرتو رأی ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ دیوان دادگستری بین‌المللی راجع به طرح گابچی کوو - ناگی ماروس (مجارستان - اسلواکی)»، برگردان: سید علی هنجنی، فصل‌نامه‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- Beham, Markus P., "Gabcikovo-Nagymaros as a 'MOX Dam'? Thoughts on a Possible Solution by the European Court of Justice," Austrian Review of International and European Law, 2012.
- Bostian, Ida L., "Flushing the Danube: The World Court's Decision concerning the Gabcikovo Dam," Colorado Journal of International Environmental Law and Policy, Vol. 9, Issue. 2, 1998.
- Bostian, Ida L., "The International Court of Justice Decision concerning the Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia)," Colorado Journal of International Environmental Law and Policy, 1997.

Boyle, A. E., *“The Gabikovo-Nagymaros Case: New Law in Old Bottles,”* Yearbook of International Environmental Law, Vol. 8, 1997.

Doczi, Zoltan, *“Gabikovo-Nagymaros Project Case 1997 (ICJ),”* Legal Studies, Vol. 3, Issue. 1, 2014.

Koe, Adriana, *“Damming the Danube: The International Court of Justice and the Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia)”* Sydney Law Review, Vol. 20, 1998.

Reichert-Facilides, Daniel, *“Down the Danube: The Vienna Convention on the Law of Treaties and the Case concerning the Gabcikovo-Nagymaros Project,”* International and Comparative Law Quarterly, Vol. 47, 1998.

Schwabach, Aaron, *“Diverting the Danube: The Gabcikovo-Nagymaros Dispute and International Freshwater Law,”* Berkeley Journal of International Law, Vol. 14, Issue. 2, 1996.

Shelton, Dinah, *“A Step Forward in the Gabcikovo-Nagymaros Case,”* Environmental Policy and Law, Vol. 31, Issue. 4-5, 2001.

Szabo, Marcel, *“The Implementation of the Judgment of the ICJ in the Gabcikovo-Nagymaros Dispute”*, Environmental Policy and Law, Vol. 39, 2009.

Taylor, Prue, *“The Case concerning the Gabcikovo-Nagymaros Project: A Message from the Hague on Sustainable Development,”* New Zealand Journal Environmental Law, Vol. 3, 1999.

Vinuales, Jorge E., *“The Contribution of the International Court of Justice to the Development of International Environmental Law: A Contemporary Assessment,”* Fordham International Law Journal, Vol. 32, Issue. 1, 2008.

Williams, Paul R., *“International Environmental Dispute Reso-*

lution: The Dispute between Slovakia and Hungary concerning Construction of the Gabčíkovo and Nagymaros Dams,” Columbia Journal of Environmental Law, Vol. 19, Issue. 1, 1994.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی